

پژوهش و اهمیت آن

اهمیت پژوهش و یا تحقیق بر کسی پوشیده نیست. در ایران هم علاوه بر توجه ویژه به امر پژوهش، هر سال هفته‌ای را به نام هفته پژوهش نامگذاری کرده‌اند. این هفته که معمولاً از هفته آخر آذر ماه شروع و به مدت یک هفته ادامه می‌یابد، سعی همه دستگاه‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی بر معرفی آثار برتر بوده و به صاحبان اثر هدایائی تقدیم می‌کنند. قطعاً تشویق و تقدیر، اثرات خود را خواهد داشت اما پرسش مهم این است که آیا برای انتخاب بهترین‌ها، ضوابط و شرایط لازم رعایت می‌شود. قطعاً اگر از کسانی که انتخاب شده‌اند پرسیده شود، پاسخ آنان مثبت خواهد بود ولی اگر از کسانی که آثارشان پذیرفته نشده سؤال شود، جواب منفی خواهید شنید. به هر حال توجه به ضوابط و پرهیز از هرگونه حب و بغض در داوری امری بسیار حیاتی و اساسی است و موضوع بحث من هم نیست. اما پرسش دیگر این است که آیا آنچه که به عنوان مقالات برتر و یا پژوهش‌های برتر شناخته شده‌اند و در مجلات علمی-پژوهشی چاپ شده‌اند و یا در نمایه‌نامه‌های ملی مثل آی. اس. سی^۱ و اس. ای. دی^۲ و بین‌المللی مانند آی. اس. آی^۳ و اسکوپوس^۴ ثبت شده‌اند، ویژگی‌های پژوهش مطلوب را دارند؟ اگر پاسخ مثبت است آثار آن چیست و سهم آن در توسعه ملی و یا بین‌المللی کدام است؟

زندگی انسان همواره دارای چالش‌های بزرگ و کوچک است و برای رهایی از این چالش‌ها باید همواره پژوهش کرد. یافتن مسئله و تبیین درست و نوع نگاه به حل آن از مسائل بسیار مهم است و چنانچه هر یک از این سه محور مورد کم لطفی قرار بگیرد نه تنها مسئله حل نمی‌شود، بلکه مسئله و یا مسائلی بر آنچه هست خواهد افزود. دست کم صرف وقت و اتلاف سرمایه و نیرو برای انجام آن و یا انتشار نتایج آن خود می‌تواند مشکل‌زا باشد. بنابراین تحقیق برای

1. ISC 2. SID 3. ISI 4. SCOPUS

توسعه است؛ برای پیشرفت است؛ و نگاهی رو به جلو و چشمی به فردا دارد. توسعه گاه بنیادی است، گاه کاربردی و گاه عملیاتی. مهم این است که با توجه به پارادایم‌های موجود و مورد قبول هر جامعه گامی و یا گام‌هایی به سوی جلو باشد و این تحقق نخواهد یافت مگر آن که دستگاه‌های مسئول و مجریان دلسوز فارغ از مسائل شخصی و سازمانی و بر طبق برنامه‌های مدون پژوهشی با دقت نظاره کنند و با عملکرد درست، شاهد پیشرفت و توسعه باشند. مشاهده پیشرفت و توسعه اگرچه کاری دشوار است و تحلیل آن به زمان احتیاج دارد ولی غیرممکن نیست. هم می‌توان نتایج و دستاوردهای پژوهش را نه فقط به لحاظ کمی و آماری، بلکه به لحاظ کیفی ارائه داد و میزان رضایت به دست آمده در جامعه و بهره‌برداران آن را دید و تقویت کرد. این در صورتی است که در قالب طرحی جامع و با برنامه‌هایی مشخص مثل پنج‌ساله و ده‌ساله صورت گرفته باشد تا تحقیقات در قالب برنامه‌ای پیش‌بینی شده صورت گیرد و هم بتوان در باره هزینه‌هایی که برای اجزای تشکیل دهنده و یا پیش‌برنده پژوهش انجام می‌شود کم و بیش به قضاوت نشست. پژوهش، آن وقتی پژوهش است که در قالب زمان و مکان اقتصادی باشد. با هر قیمتی و طی هر زمانی انجام پژوهش ممکن است نه تنها پژوهش تلقی نشود بلکه بار نیز منفی داشته باشد. همین که تعداد پژوهشگران محدود است، هزینه انجام پژوهش نیز محدود است و مجریان باید دخل و خرج کنند و ببینند به ازای آنچه هزینه شده است چه دستاوردی داشته‌اند. البته بر حسب برنامه، درجات ارزشمندی پژوهش‌های مختلف و میزان بهره‌دهی آنها با یکدیگر متفاوت است که باید مورد توجه قرار گیرد. نکته محوری اینجا است که بررسی میزان توفیق و یا عدم توفیق پژوهش نمی‌تواند توسط غیر پژوهشگر انجام شود. مجریان و دست‌اندرکاران پژوهش خود باید پژوهشگران برجسته باشند تا بتوانند میزان مشارکت تحقیقات را در امر توسعه و بهبود حلاجی کنند و صحیح را از سقیم و پژوهشگر را از غیر پژوهشگر بازشناسند. طبعاً داوری پژوهش‌ها هم بخشی از فرایند گزینش پژوهش‌های برتر است.

یکی از بحث‌هایی که در بودجه‌ریزی کشور سال‌هاست مطرح است، این است که مجلسیان مصرند بر اینکه بودجه‌ها باید عمدتاً عمرانی باشند. هر چه که بودجه‌های عمرانی بیشتر باشد، بودجه‌های جاری کمتر خواهد شد و این از نظر قانونگذاران مطلوب‌تر است اما مجریان خلاف آن را می‌طلبند و عملاً مشاهده می‌شود که به خاطر نبودن نظارت و یا نبودن روحیه پژوهشی و یا عدم توجه به مسائل اقتصادی، اغلب بودجه‌های جاری است که افزایش می‌یابد و حتی به نام بودجه‌های

عمرانی، با لطائف‌الحیل استفاده جاری از آن می‌شود. این امر بی شباهت به هزینه‌های صرف شده برای طرح‌های پژوهشی هم نیست. در خیلی از موارد مشاهده می‌شود که به نام اعتبار پژوهشی بیشتر به مقدمات و مؤخرات امر پژوهش و نه خود پژوهش پرداخته می‌شود و آن که سرش به قول معروف بی‌کلاه می‌ماند پژوهشگر واقعی است و یا آن کس که دارای فکر نو است و خلاق و مبتکر است از قافله عقب می‌ماند.

پژوهشگر نیز چنانچه به او بها داده شود باید استقراء و استقصا کند. استقراء از نظر لغوی یعنی قریه قریه گشتن و اطلاعات مورد لزوم را جمع کردن و استقصا نیز به معنای جست‌وجو و به‌دست آوردن اطلاعات از دورترین مکان‌ها است. این امر در مورد جست‌وجوهای اینترنتی هم صادق است و بدیهی است با توجه به کثرت اطلاعات و گاه اطلاعات زائد، جست‌وجوها به مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر و وقت‌گیرتر است. محقق و محققان باید از تسهیلات لازم برخوردار باشند تا به جست‌وجوی خود آن‌چنان که باید و شاید بپردازند. برای اینکه سخن از حالت انتزاعی بیرون بیاید به نمونه‌ای عینی اشاره می‌کنم. در بین مقالاتی که برای انتشار یک شماره از مجله‌ای که پیش رو دارید مقاله‌ای مشاهده کردم که با آن که داوران بر آن نظر مثبت داده بودند، متوجه شدم که جست‌وجوی آن بسیار ناقص است. موضوع، بررسی کتاب‌های منتشر شده بین سال‌های مشخصی توسط مدرسان و پژوهشگران حوزه کتابداری بود. من که خود حداقل ده کتاب در این مدت داشته‌ام، نام خود را در بین آن نیافتم. وقتی پرس و جوی بیشتر انجام گرفت، مشخص شد که چقدر مقاله سطحی بررسی شده و افراد دیگری هم از قلم افتاده‌اند. بدیهی است چنین اثر و یا آثاری هر چند صورت ظاهر را هم رعایت کرده باشند، اثری پژوهشی تلقی نمی‌شوند. اینجاست که علاوه بر حساسیت کار پژوهشگران، کار داوران و یا ناظران و سردبیران مجله‌ها و یا مجریان طرح‌ها بسیار مشکل می‌شود که نگذارند کار ناقص به‌عنوان اثری پژوهشی به‌شمار آید و یا آنچه تکرار مکررات است و یا کپی‌سازی است و یا احیاناً به سرقت ادبی، خودآگاه یا ناخودآگاه، آلوده شده است و نیز آثاری که نتیجه‌ای بر آن مترتب نیست به‌عنوان اثری پژوهشی شمرده شود و در این زمینه قاطع و شفاف برخورد کنند و از تعارف و مجامله بپرهیزند. با دیدن این مورد و موارد مشابه دیگر از انواع پژوهش‌های سطحی به نظرم رسید که به‌جای پرداختن به ویژگی‌های یک

پژوهش خوب، به آنچه پژوهش نیست پردازم. مواردی که ملاحظه می‌کنید حاصل این تأمل است، شاید راهگشا باشد:

کدام پژوهش نیست؟

۱. آنچه با واسطه و یا بی‌واسطه متکی بر واقعیات نباشد؛
۲. آنچه مطالعه درباره آن کامل نباشد (پیشینه)/ جست‌وجو و کلمات جست‌وجو دقیق و بهینه نباشد؛
۳. آنچه منابع آن درست انتخاب نشده باشد؛
۴. آنچه محقق خود در موضوع صاحب‌نظر نباشد؛
۵. آنچه از مسئله برنخاسته باشد؛
۶. آنچه تکرار مکررات باشد؛
۷. آنچه که نتیجه آن از قبل مشخص شده باشد؛
۸. آنچه فرضیه و یا سؤالات روشن نداشته باشد؛
۹. آنچه فایده آن مشخص نباشد و یا هدف آن معلوم نباشد؛
۱۰. آنچه ضرورت و اولویت آن به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و مانند آن محرز نباشد؛
۱۱. آنچه مخاطب نداشته باشد؛
۱۲. آنچه دستاوردش با هزینه‌اش متناسب نباشد؛
۱۳. آنچه ابزار جست‌وجویش مشخص و یا متناسب نباشد و پایایی و روایی نداشته باشد؛
۱۴. آنچه جامعه و یا نمونه مستقل و مشخص پژوهشی نداشته باشد؛
۱۵. آنچه اصطلاحات به کار رفته در آن دارای ابهام باشد و یا تردید در خواننده ایجاد کند؛
۱۶. آنچه به پژوهش‌های دیگری اعتنا باشد و نقش آن در بین سایر پژوهش‌ها مشخص نباشد؛
۱۷. آنچه تحلیل نداشته باشد و فقط گردآوری باشد؛
۱۸. آنچه پیش‌فرض‌هایش مشخص و یا روشن نباشد و به اصطلاح معلوم نباشد بر اساس چه پارادایم تحقیقی انجام می‌شود؛
۱۹. آنچه استناد نداشته باشد و یا استنادها غلط باشد و یا جدید و معتبر نباشد؛
۲۰. آنچه باعث پیشرفت و توسعه نشود.